

«دوان»

دیارانش

اثری از محمد رضا خرمایی

بامقدمه

استاد عبد النبی سلامی

سرشناسه: خرمایی، محمدرضا، ۱۳۲۰ -

عنوان و نام پدیدآورنده: «دوان» دیار آشنا / محمدرضا خرمایی؛ با مقدمه عبدالنبی سلامی.

مشخصات نشر: شیراز: ارم شیراز، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۳۴۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۹۳۵-۳-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: خرمایی، محمدرضا، ۱۳۲۰ - خاطرات، شعر فارسی - قرن ۱۴، شعر دوانی - قرن ۱۴، دوان

شناسه افزوده: سلامی، عبدالنبی، ۱۳۲۹ -، مقدمه نویسنده

رشته بندی کنگره: CT۱۸۸۸/خ۴۴۱۳ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۹۲۰/۰۵۵

شماره کتابشناسی: ۳۳۲۱۶۴۷

نام کتاب: «دوان» دیار آشنا

پدیدآورنده: محمدرضا خرمایی؛ با مقدمه عبدالنبی سلامی

صفحه آرا و طراح جلد: علی محمدی

تایپ: سیده فاطمه طباطبائی فرد

تیراژ: ۱۰۰۰

قطع: وزیری

تعداد صفحات: ۳۴۹ ص

ناشر: انتشارات ارم شیراز

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واصف

قیمت: ۱۸۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۹۳۵-۳-۰

مدیر مسئول انتشارات: دکتر مسعود صفار

آدرس: شیراز - میدان دانشجو - مجتمع پزشکی نشاط - طبقه چهارم - انتشارات ارم شیراز

تلفن: ۰۷۱۱-۶۴۴۲۰۷۷، فاکس: ۰۷۱۱-۶۴۴۲۰۵۸

وب سایت: www.erampub.ir

طبق قانون حمایت از آثار مولفین و مترجمین، تمامی حقوق جهت مؤلف و ناشر براساس قرارداد فی

مابین محفوظ است و هرگونه کپی برداری ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

صفحه

عنوان

۱۱.....	مقدمه
۱۵.....	پیشگفتار
۱۷.....	گوشش دوانی
۱۹.....	آوای مادر
۲۲.....	قیطاس
۲۳.....	شاعر کیست؟
۲۴.....	دوران کودکی و شرح حال
۲۶.....	دوان
۲۷.....	خاطرات کودکی و قصه ها
۲۹.....	افسوس
۳۵.....	سفر به شیخ نشین خلیج فارس
۴۰.....	دوان
۴۱.....	سابقه تاریخی روستای دوان
۴۳.....	نور دیده
۴۴.....	زیر سایه خدا-سروده فریده خرمایی
۴۹.....	فروغ دیده
۵۱.....	بومی سروده های دوانی
۵۱.....	۱. سخوک
۵۵.....	۲. بهار زندگی
۵۹.....	۳. کافلا

۷۳.....	۴. فِرَاق
۷۷.....	۵. مُزْکِرْک
۸۰.....	۶. مَچیشکِ فِدائی
۸۷.....	۷. چَرِ پاتیلی
۹۵.....	۸. قاغِزِ سِرِ واز
۱۰۵.....	۹. واکو دَر
۱۰۸.....	۱۰. یِ چِه
۱۱۲.....	۱۱. بیتنی ها
۱۴۲.....	منظومهٔ سَمَس
۱۴۹.....	نُورِد
۱۹۴.....	دو سروده به گویش سِکِ
۱۹۴.....	سَفَر به قریه
۱۹۸.....	بوقلمون
۲۰۳.....	سروده‌های فارسی
۲۰۵.....	مَقْدَمَةُ اعتصابِ خر
۲۰۶.....	نبردِ خر
۲۱۲.....	طرحِ فلاحَت در فراغت
۲۱۳.....	حیوانِ طلایی
۲۱۵.....	نامه‌های دوستانه
۲۱۵.....	خَتّی آ- تِروون
۲۱۸.....	جَواوِ خَتّی غُلومسین
۲۲۲.....	سیلِ اشک
۲۲۶.....	فَدردونی آ- اودِنوی

- ۲۳۰.....جواو میرنومی کاکي مَرزا.....
- ۲۳۳.....شناسنامه ادبی -هتری استاد عبدالنّبی سلامی.....
- ۲۳۵.....آثار نوشتاری عبدالنّبی سلامی:.....
- ۲۳۹.....نمونه‌هایی از اشعار عبدالنّبی سلامی.....
- ۲۳۹.....باوَر کو.....
- ۲۴۲.....چیش.....
- ۲۴۴.....دَلَم.....
- ۲۴۷.....چار بار.....
- ۲۵۰.....قصه سارقان گر انگه.....
- ۲۵۳.....مختصری از شرح حال کور در بانعل مجاهد.....
- ۲۵۴.....گره و کله پاچه.....
- ۲۵۷.....لُوده آثار.....
- ۲۵۸.....در وصف آقا محمّدکریم خان دوانی.....
- ۲۶۰.....مولا در دوان.....
- ۲۶۲.....محمدکریمخان دوانی.....
- ۲۶۹.....دوران کودکی استاد علی دوانی.....
- ۲۶۹.....در زادگاهم دوان.....
- ۲۸۰.....فیلسوف نامی جلال الدین دوانی.....
- ۲۸۲.....در کازرون.....
- ۲۸۳.....حرکت به سمت بوشهر.....
- ۲۸۴.....در بوشهر.....
- ۲۸۶.....به سوی آبادان.....
- ۲۸۸.....حاج علی عسکر احمدی دوانی.....

- دومانی آموزگار من ۲۹۱
- خاطرات آقای دومانی آموزگار من در دوان ۲۹۳
- اشعار آقای دومانی ۲۹۴
- به یاد او ۲۹۴
- یا صاحب الزمان ۲۹۵
- مدد غضنفر طباطبائی هاشمی ۲۹۷
- فرید ۲۹۹
- سم طوفان ۳۰۰
- یاد و خاطره ای از گذشته های دور ۳۰۲
- شرح حال محمد ۳۰۲
- اذان نیمه شب، نقشه اردشیر ۳۰۴
- دوانیها و شهر آبادان ۳۰۵
- ذله رطب ۳۰۷
- جدال علیمحمد با خرس ۳۰۸
- ماجرای گربه عمو رجب ۳۱۱
- آسیاب آبی دوان ۳۱۳
- بردتیشگه ۳۱۴
- حمام خزینه ای دوان ۳۱۵
- گل غسلی ۳۱۸
- اگر خدا بخواهد، توی درک دوان هم می دهد ۳۱۹
- سالهای ناامنی و آفت مَلَخ ۳۲۲
- درخت مقدس زیتون ۳۲۴
- آئین تمنای باران در دوان ۳۲۶

۳۲۸.....	سَلَّةُ مَجْک
۳۲۹.....	از هر دست بدهی، با همان دست پس می‌گیری
۳۳۰.....	عین عمان ابوظبی و عمویعقوب
۳۳۴.....	عُمَرِ وَر باد رفته
۳۳۶.....	نو، روز
۳۳۸.....	تصاویر

www.ketab.ir

گاهی بازگویی اتفاقی ساده در نقطه ای دورافتاده، همچون روستای دوان، می‌تواند گویای حقایقی باشد که زنجیره تاریخ و فرهنگ مردم آنجا را به هم پیوند می‌زند. خاطرات فرهیختگانی همچون آقای محمدرضا خرمایی، مؤلف ارجمند کتاب دوان، دیار آشنا، نقطه ای از تاریخ نانوشته ای است که شرایط اجتماعی مردم دوان در برهه ای از تاریخ این قوم کهنزیست را به نمایش می‌گذارد.

کتاب پیش رو که توأماً از متنی منشور و منظوم شکل گرفته است، حاصل زندگی پویای مردیست که زیاده و قلمش در اعتلای فرهنگ و ادب مردم دوان، دمی از تلاش نمانده و سالها چه در دوران جوانی و کار و تلاش و چه امروز که در دوره بازنشستگی در باغ خودساخته اش با خویشن خویش مشغول می‌گردد. مدام در کنکاش مسایل مختلف فرهنگ و آداب و سنن روستای خود بوده که از دل آن اثر بیافریند تا ضمن روشن نمودن اذهان هم‌عصران خود، اثری ماندگار را برای آیندگان بر جای گذارد. این حاصل تفکر زیبای فردیست که اگر چه دوره‌های آموزشی دبیرستان و دانشگاه را نگذرانده، اما با افت طبعش در سرایش شعرهایی برگرفته از فرهنگ و ادب زادبومش، او را در زمره بومی سرایان فارس قرار می‌دهد.

اگر از نوشته‌های منشور و اشعاری که فارسی سروده شده است بگذریم، اهمیت این اثر بیشتر در بومی سروده‌هایی است که به گویش دوانی پیچیده دوانی نهفته است. لذا باید درباره نگارش آوا نوشت دوانی اش به خط فارسی و همچنین در باره آواهای خاص گویش دوانی نکاتی مختصر اما با اهمیت را یادآور شوم.

گویش دوانی که در زبان مردم روستای دوان تکلم می‌شود، شاخه زبانهای جنوب غربی، و یکی از گویشهای منحصر بفرد واقع در استان فارس، شهرستان کازرون است که با توجه به ساختهای واژگانی، آوایی و دستوری آن، از دیگر گویشهای خویشاوند خود همچون گویشهای کوهمره‌ای و لارستانی، متمایز است. در این گویش آواهای کشیده، جفتهای کمینه، چه به لحاظ آواشناسی و آکوستیک و چه به لحاظ تغییر واج در واژه‌ها، و همچنین ساخت ویژه کُنایی (ارگتیو) و حتی غریب‌راژه‌هایی که صرفاً در این گویش از زبانهای دوران باستان باقیست، از نکات است که لازم به توضیح و توصیف دارد.

• می‌دانیم که در خط فارسی، تعدادی از واجه‌ها به تبع واجه‌های زبان عربی متفاوت نوشته می‌شوند در حالی که از نظر تلفظ، یکسان ادا می‌گردند. مثل: «س، ص، ث»، «ز، ض، ظ، ذ»، «ت، ط»

و «ه، ح». در آوانگاری سروده‌های دوانی در این اثر که به خط فارسی صورت گرفته، به لحاظ جایگاه تولید و تلفظ یکسان این آواها، از بین هر گروه، آنکه در الفبای فارسی اصیلتر بوده، اختیار شده است. مثل «ز» از میان «ز، ض، ظ، ذ» یا «س» از میان «س، ص، ث» یا «ت» از میان «ت، ط» و «ه» از میان «ه، ح». بنابراین به طور نمونه، به جای ضرر، زَرَر / به جای ظرف، زَرَف / به جای ذات، زات نوشته شده است. همچنین به جای صابون، ساوون / به جای غصه، غُس / به جای کُوتر، کُوسَر آمده، یا به جای طوفان، تیفون و به جای حرام، هروم نوشته شده است.

در گویش دوانی «ع» اگر در ابتدای واژه آمده باشد، همزه جایگزین آن می‌شود مثل عالم که به صورت آلم، علف که به صورت آلف، علم که به صورت إلم، عمر که به صورت اُمر آمده. اما اگر در وسط واژه باشد، ضمن حذف شدن، واکه کوتاه پیش از آن به واکه کشیده تبدیل می‌شود. مثل معلم که به صورت مَلُوم در آمده یا طعنه که به صورت تَن نوشته شده است. در مورد «ه» نیز همین وضعیت وجود دارد. در صورتی که در میان واژه بیاید، واکه پیش از آن ضمن کشیده شدن، جایگزین آن می‌شود مثل گه که به صورت گُن در می‌آید، یا مهیار که به صورت مَیار نوشته می‌شود. در بعضی از واژه‌های فارسی که واکه پیش از آن کوتاه است در گویش دوانی واکه کوتاه به بلند تغییر می‌کند و «ه» در آن واژه محفوظ می‌ماند. مثل بهار که به صورت باهار، و صاحب که به صورت ساهاو در می‌آید.

• در این گویش افزون بر واکه‌های کوتاه و بلند فارسی، شش واکه کشیده کوتاه و بلند نیز وجود دارد. در آوانگاری واژه‌های دوانی، هر جایگاه کشیده آمده در صورتی که واکه، کوتاه باشد، پس از آن، خطی آمده که در بالا یا زیر آن، واکه قرار گرفته شده است. مثل: اَل دُوو = اهل دوان / اِل غُرُوت = ایل غربت، غُرَبی / کُننی = کانی، چشمه بی‌درغره.

• در آوانگاری فارسی واژه‌های دوانی، «های غیرملفوظ» که در انتهای واژه قرار دارد، به دلیل تلفظ نشدن آنها، حذف شده اند و تنها به قید واکه آخر واژه بسته شده است. مثل: سَوَن = خانه / بُن = بوته / درواز = دروازه / بُن = خت = جاده و غیره. در متن کتاب از اینگونه واژه‌ها بسیار آمده است.

• در این گویش واج «ب» جز در ابتدای واژه که «ب» تلفظ می‌شود، در وسط یا آخر واژه، به صورت «و» در می‌آید. مثل: کَواو = کباب / سَوا = صبا، فردا / آسَواو = اسباب / عَیو = غیب / توک = طبق و غیره. در صورتی که واژه ترکیبی باشد و «ب» در اول قسمت دوم واژه باشد، به همان شکل

باقی می‌ماند. مثل: داربُر = دارکوب / جاربندی = مشک / کوچک / کُلیَر = اره مخصوص هرس شاخه درخت. در واژه تلوکار = طلبکار، چون «ب» وابسته به بخش اول است، در نتیجه به «و» تغییر یافته است. اگر در کلام مردم امروز دوان واژه ای باشد که از این قاعده پیروی نکند، اصیل نیست و تحت تأثیر زبان فارسی است.

• در گویش دوانی علاوه بر آواهای معمول فارسی، آواهایی وجود دارد که یکی از ویژگیهای مهم آن را به نمایش می‌گذارد. آواهای ts مثل zets (جوجه تیغی)، dz مثل godz (زنبور قرمز وحشی)، δ مثل mu:δ (امید، علاقه)، ʔ مثل baʔ (مزه گس).

از دیگر ویژگی این گویش جفتهای کمینه (تقابلهای واجی) است که بسیار مشهود و متنوع است. مثالهای زیر را به دقت بخوانید و به دقت تکرار کنید تا به خاطر نشان می‌دهد.

الف. تقابل mor (مورغ) / mor (مزه گس) / baʔ (مزه گس) / mor (مرغ) در مقابل moʔ (گرد، کُروی) / ser (سِر، اس) / sef (لیز).

ب. تقابل ts مثل čak (چاک) / akts (پای، زردپی) / čel (کتف) در مقابل tse (عدد چهل).

پ. تقابل dz مثل (k)onj (گوشه) / (g)ondz (زنبور قرمز وحشی، شیرۀ گیاه آنزروت).

افزون بر اینها، تقابل آواهای کوتاه و کوتاه کشیده که در گویش دوانی بسیار پررنگ است، نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. مثال:

ت. تقابل a و a: مثل bal (چشمه، ظرف حصیری خرما، بز) / ba:l (برف) / lam (بله) در مقابل la:m (فلج).

ج. تقابل e و e: مثل pel (کیست، غُده) در مقابل pe:l (لپ، گونه) / gel (خاک) / ge:l (پوست) در مقابل ge:l (فاسد، خراب).

چ. تقابل o و o: مثل kol (کُند، دمیریده) در مقابل ko:l (درۀ پوشیده از سنگهای ریز و درشت) / gor (غوره، مَلخ) در مقابل go:r (نیمی از روز، صبح تا ظهر یا ظهر تا غروب).

در گویش دوانی بین واج d و واجگونه ð که در فارسی کهن با حرف «ذ» نمایش داده می‌شده است، تفاوت لفظی وجود دارد. چنانچه پیش از «ذ» همخوان (صامت) بیاید، تلفظ آن همان دال فارسی (پشت دندانی / لثوی، انسدادی) است. مثل bard (سنگ) / vākandan (حفر کردن، کندن زمین)، اما در صورتیکه پیش از آن واکه (مصوت) قرار گیرد، تلفظ آن (بین دندانی، سایشی) خواهد بود مثل borið (هرس شاخه‌های درخت انگور) / eseðan (آخریدن).

در پایان امیدوارم با تذکر این مختصر، توانسته باشم نکات لازم آوایی گویش دوانی را که حکم کلید خواندن و نوشتن این گویش پیچیده است، بیان کرده باشم و با این توضیحات، گویش از آوانویسی فارسی ولاتین این گویش را برای روانتر خواندن سروده‌های دوانی گشوده

لازم می‌دانم این نکته را نیز یادآور شوم که ظرایف دقیقتر زبانشناسی این گویش، بیش از اینهاست که در این مقدمه بگنجد. به خصوص در مورد ساخت کنایی (ارگتیو) در این گویش نکاتی ویژه نهفته است که در این تحلیل و آوردن نمونه‌های لازم، نمی‌توان به طور دقیق به آن پرداخت. بدین لحاظ بر این پیش‌گویی از به درازا کشیدن سخن در این مقدمه، علاقه مندان را به مراجعه به کتاب فرهنگ گویش دوانی توصیه می‌نمایم تا با مطالعه نکات مزبور، بهره لازم را ببرند.

عبداللهی سلامی

بهمن ماه ۱۳۹۱